

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: مدت کوتاهی است که در یک شرکت خصوصی دانش بنیان که تولیدات خوبی برای کشور دارد مشغول شدم. همت مدیریت، رسیدن به یک شرکت تراز انقلاب اسلامی بوده و هست. اما به نظر بنده با برگزاری نماز جماعت و چند مراسم مناسبتی و استفاده از کارمندی نسبتاً متدین و امثال این نمی توان به این شرکت یک بنگاه اقتصادی اسلامی گفت. به ذهنم رسید که لازم است یک متخصص دین شناس در شرکت حضور فعال داشته باشد، کلیه قراردادهای مالی، مدیریت منابع انسانی و هر گونه ورود و خروج در مجموعه باید توسط یک متخصص دین تحت نظارت قرار بگیرد. از طرفی اگر بناست انسان ها در این مجموعه به تعالی برسند با قرار دادن صرفاً اهداف تولیدی با کیفیت و با استفاده از متدهای غربی من بعید می دانم که این جریان بدون عیب و نقص باشد که هیچ، قطعاً به نمونه کامل تراز انقلاب اسلامی تبدیل نخواهد شد. این تفکرات رو با صحبت های اخیر شما در مورد حضور تاریخی در کربلا هم موافق دیدم، نگاه صرفاً تولید محور به یک بنگاه اقتصادی که اهداف انقلاب اسلامی را دنبال می کند واقعا یک نگاه حداقلی است. اگر ذهنیات بنده مورد تایید شماست، چه پیشنهادی برای بنده و برای مدیریت شرکت دارید؟ چطور می توان یک شرکت را با ترازهای انقلاب اسلامی اداره کرد؟ آیا یک مجتهد لازم است؟ چطور می توان از یک فقیه که آشنا با حوزه تخصصی تولید شرکت نیست استفاده کرد؟ و ...

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در چنین مراکزی مهم آن است که نظر به انسانی باشد که آن انسان مواظب است در بستر حضور توحیدی خود با روحانیتی خاص نظر به آینده علمی و ایمانی داشته باشد تا اولاً: افرادی مانند تهرانی مقدمها احساس متعالی شدن در دل تولیدهای تکنیکی داشته باشند و در آن فضای معنوی منتظر حدس و گمان های علمی گردند. ثانیاً: متفکرانه در امر دانش بنیان جلو روند تا با ظرایف خاصی که نیاز امروزین ما می باشد، کار جلو رود که همان اندیشیدن در عین تفکر تکنیکی است. و این نکته بسیار ظریفی است یعنی باید متوجه باشیم دانش بنیان یک فکر و فرهنگ است و نه صرفاً یک علم تکنیکی. موفق باشید